



کفر نعمت چیست؟ عاقبت و آثار این گناه در روایات چگونه است؟

کفر به معنای پوشاندن و مخفی کردن است که در مقابل شکر و سپاس‌گذاری قرار دارد، و «کفر نعمت» به معنای شکر نکردن احسانی است که به انسان می‌شود.

کفر به معنای پوشاندن و مخفی کردن است که در مقابل شکر و سپاس‌گذاری قرار دارد، و «کفر نعمت» به معنای شکر نکردن احسانی است که به انسان می‌شود. از این رو عاقبت و آثار کفر نعمت را به دو صورت کلی می‌توان بررسی کرد. یکی از آن جهت که موجب از دست دادن منافع و فواید شکر نعمت خواهد شد؛ دوم ضررها و مشکلاتی که از ناحیه خود کفران نعمت به انسان می‌رسد. عواقب و مضرات کفران نعمت می‌تواند هلاکت و نابودی کسانی که نعمت را کفران می‌کنند باشد؛ تبدیل نعمت به نقت و بلا، و یا زوال آن باشد.

کفر؛ #171؛ در لغت به معنای پوشاندن و مخفی کردن است که در مقابل شکر و سپاس‌گذاری قرار دارد، و «کفر نعمت» به معنای شکر نکردن احسانی است که به انسان می‌شود. [1] از این رو عاقبت و آثار کفر نعمت را به دو صورت کلی می‌توان بررسی کرد. یکی از آن جهت که موجب از دست دادن منافع و فواید شکر نعمت خواهد شد؛ دوم ضررها و مشکلاتی که از ناحیه خود کفران نعمت به انسان می‌رسد.

الف. در بخش اول باید گفت؛ یادآوری نعمت‌های مادی و معنوی برای ایجاد انگیزه مثبت برای شکر و انگیزه منفی نسبت به کفران و ناسپاسی، از سنت‌های الهی است که توسط پیامبران (ع) اعمال می‌شود؛ نظیر آنچه حضرت هود (ع) به قوم خود، یعنی عاد [2]، حضرت صالح (ع) به قوم خود، یعنی ثمود [3] و حضرت موسی (ع) به قوم خود یعنی بنی‌اسرائیل [4] فرمودند. نکته‌ای که در اینجا وجود دارد آن است که اصرار خدای سبحان و سفارش به شکرگذاری برای آن است که انسان در سعادت باقی بماند؛ زیرا انسانی که به یاد نعمت خدا نبوده و در اندیشه ولی نعمت خود نباشد نعمت را در راه باطل صرف می‌کند و در نتیجه سعادت خود را از دست خواهد داد.

توضیح این‌که، خدای سبحان هم طبع اولی انسان را (که غیر از فطرت است) به او تفهیم می‌کند و هم سنت خود را گوشزد می‌نماید؛ درباره طبع اولی انسان می‌فرماید: #171؛ طبیعت انسان بر سوء استفاده است؛ هم نعمت‌ها را کرامتی برای خویش می‌پندارد، [5] و هم نعمت سبب سرکشی و روگردانی او می‌شود. [6]

درباره سنت ثابت خود نیز می‌فرماید: #171؛ هر کس از نعمت الهی سوء استفاده کند، خدا نعمت را تغییر می‌دهد. [7] به هر تقدیر، خدای سبحان برای این‌که انسان به کیفر تغییر نعمت مبتلا نشود، پیوسته با تعبیرهای گوناگون به او گوشزد می‌کند که به یاد نعمت حق باشید؛ گاهی با تعبیر #171؛ اذکروا؛ و گاهی با لفظ #171؛ اشکروا [8]؛ روشن است که ذکر و شکر نعمت و یادآوری و بازگویی آن، اگرچه مفهوماً از هم جدا هستند، ولی مصداقاً در کنار یکدیگرند؛ چراکه ذکر نعمت و یادآوری آن، زمینه شکر نعمت را فراهم می‌کند و مقدمه‌ای برای بجا صرف کردن آن است. ب. عواقب و مضرات کفران نعمت: کفر نعمتی که در آیات و روایات آمده، گاهی در مقابل نعمت‌های الهی است و گاهی در مقابل احسان و نیکی دیگران به انسان که آثار این دو متفاوت است.

عواقب کفر نعمت‌های الهی متعدد است که در قرآن به چند مورد آن اشاره شده است: [9]

1. هلاکت و نابودی کسانی که نعمت را کفران می‌کنند: #171؛ و این به شیوه خاندان فرعون بود و کسانی که پیش از آنها بودند. آنها آیات پروردگارشان را تکذیب کردند و ما به کیفر گناهانشان هلاکشان کردیم و خاندان فرعون را غرقه ساختیم، زیرا همه ستمکار بودند [10]؛

2. تبدیل نعمت به نقت و بلا، چنان‌که خداوند فرموده‌اند دست و پا و زبان و مال و فرزندش به ابزاری برای گرفتار شدن وی به عذاب مبدل می‌گردد و در این حال اگر مهلتی به آنان داده شود، در جهت کیفر سخت آنان خواهد بود. [11]

3. زوال نعمت و یا تغییر آن: در حدیث آمده است مردی از امام صادق (ع) در مورد آیه #171؛ فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ؛ سؤال کرد. امام (ع) در جواب فرمودند: #171؛ این جماعت، گروهی بودند که چند روستای به هم پیوسته داشتند و اهل آنها همدیگر را می‌دیدند، و نه‌های روان و مال‌های زیاد داشتند. اما نعمت‌های خدای عز و جل را ناسپاسی نمودند، پس خداوند متعال نعمت‌هایی که در اختیار آنها بود را تغییر داد و سیل عزم را به سوی ایشان فرستاد که به سبب آن روستاهایشان را غرق کرد و خانه‌ها را خراب نمود و مال‌های ایشان را از بین برد، و به جای آن باغ‌ها، دو باغ که حاصل آن میوه بدمزه اراک و کتار بود، به آنها داد. بعد از آن فرموده است: #171؛ ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَ هَلْ نُجَازِي إِلَّا الْكَفُورَ؛ یعنی این عذاب عاجل، پاداش دادیم ایشان را، به سبب آن‌که کفران نعمت ورزیده، بر رسولان ما کافر شدند، و آیا جزا می‌دهم، مگر کفور را [12]؛

جا دارد در اینجا به این نکته اشاره کنیم که این عذاب، از اقتضای عمل گناهکاران ناشی می‌شود نه از ناحیه خداوند؛ چرا که از ناحیه او جز رحمت و نعمت ناشی نمی‌شود. در قرآن کریم آمده است: #171؛ مَا يَقْعُلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَ آمَنْتُمْ [13]؛ و

«لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ"[14];[raquo]; از این دو آیه به خوبی بر می‌آید که اگر خداوند گنه‌کاران را عذاب می‌کند، به اقتضای ربوبیتش نیست، و عذاب او به افراد معینی تعلق می‌گیرد که همان کسانی‌اند که نعمتش را کفران کرده‌اند. پس عذاب او مستند به گنه‌کاران است نه به او. همچنین از آیات کریمه قرآن بر می‌آید که اصولاً عذاب همان فقدان رحمت است، همچنان‌که نعمت، عدم بذل نعمت است و این محروم کردن نعمت و رحمت، جز در مورد افرادی که به خاطر کفر و گناه استعداد رحمت و نعمت را از دست داده‌اند، تحقق پیدا نمی‌کند.[15]

در مورد عاقبت کفران احسانی که غیر خداوند به انسان نموده است، حضرت رسول(ص) فرمود: «هر کس که به او احسان شود، باید جزای آن را بدهد، اگر نتوانست باید آن را ستایش کند و اگر چنین نکرد کفران آن نعمت را نموده است"[16];[raquo]

[1]. ر. ک: ابن درید، محمد بن حسن، جمهرة اللغة، ج 2، ص 787، نشر دار العلم للملایین، بیروت، چاپ اول.

[2]. اعراف، 69.

[3]. اعراف، 74.

[4]. مائده، 20.

[5]. فجر، 15.

[6]. اسراء، 83.

[7]. انفال، 53.

[8]. ضحی، 11.

[9]. این نکته حائز اهمیت است که بر اساس آیه 55 سوره نحل، کفر نعمت‌های الهی هدف و غایت مشرکان از شرک به خداوند متعال معرفی شده است. علت این امر آن است که اشتغال به محسوسات و مادیات، مادی‌گری و دلبستگی به اسباب ظاهری را در دل‌های مشرکان ملکه قرار داده، و آن ملکه پرده ضخیمی میان آنان و معرفت فطری آنها شده و توحید ربوبی را از یادشان برده است. آنها در برخورد با هر نعمتی سبب ظاهری آن را به یاد می‌آورند و به یاد مسبب اسباب یعنی خدای تعالی نمی‌افتند، و قهراً در برابر همان اسباب، خاضع گشته و از انقطاع آنها نگران می‌شوند، ولی در برابر خدا نه خضوع دارند و نه خشوع بلکه و به همین دلیل به او فرامین او کافر می‌شوند. پس کفر و شرک به خداوند، کفران نعمات او نیز می‌باشد (به علت غایتی که دارد) و نتیجه این کفران بسیار سنگین و دردناک است به گونه‌ای که خداوند متعال می‌فرماید: «فتمتعوا فسوف تعلمون"[9];[raquo] یعنی «از این نعمات بهره ببرید که بعداً خواهید فهمید"[raquo];.

[10]. انفال، ۵۴.

[11]. توبه، ۵۵؛ آل عمران، ۱۷۸.

[12]. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج 3، ص 678 679، دار الحدیث، قم، چاپ اول، 1429ق.

[13]. «اگر سپاس دارید و مؤمن باشید خدا را با عذاب شما چکار"[raquo];. نساء 147.

[14]. «و اگر سپاس دارید افزونتان دهم، و اگر کفران کنید عذاب من بسیار سخت است"[raquo];. ابراهیم، 7.

[15]. ر. ک: طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج 8، ص 274، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ پنجم، 1417ق.

[16]. محدث نوری، حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج 5، ص 296، مؤسسه آل البیت(ع)، قم، چاپ اول، 1408ق.